

نقش شهروندی در ارتقاء سرمایه اجتماعی

محمد تقی محمودی^{۱*}، طیبه شریفی^۲، عاطفه ارفع^۳

mahmoodi@iaushk.ac.ir

sharifi@iaushk.ac.ir

ati_arfa@yahoo.com

چکیده

در عصر حاضر، «شهروند» به عنوان یک پدیده اجتماعی از ضروریات زندگی محسوب می‌شود. شهروندان عموماً با سلیق و انگیزه‌های مختلف در جامعه شهری به فعالیت می‌پردازند. عده‌ای برای کسب و کار، گروهی برای پر کردن اوقات فراغت و گروهی دیگر برای آموختن مهارت‌های فردی و جمعی و ... از این رو، زندگی اجتماعی مستلزم وجود روابط بین افراد و گروه‌های مختلف جامعه می‌باشد. حس عضویت داشتن در گروه، وابستگی‌های متقابل اجتماعی و ... از مؤلفه‌هایی است که در شهروندی بررسی می‌گردد و همانطور که می‌دانیم مشارکت اجتماعی از الزامات سرمایه اجتماعی هر جامعه‌ای است؛ به جهت بررسی و تحلیل این نقطه مشترک که در حقیقت نقطه قوت هر دو مفهوم نیز می‌باشد در مقاله پیش رو سعی شده تا به روش کتابخانه‌ای به بررسی نقش و رابطه مؤلفه‌های شهروندی در ارتقاء و گسترش سرمایه اجتماعی بپردازیم و در ادامه خواهیم دید؛ جوامعی در دستیابی به توسعه همه جانبه موفق خواهند بود که به کمک مؤلفه‌های شهروندی سعی در ایجاد و گسترش سرمایه اجتماعی خود داشته باشند زیرا بدون سرمایه اجتماعی، به احتمال زیاد سایر سرمایه‌های جامعه نیز تلف می‌شوند. بنابراین اهم وظایف مدیران شهری و مسئولان جوامع بایستی بر توجه بیشتر به شهروندی بالاخص شهروندی پویا (و نه ایستا) پایه‌ریزی شود تا ارتقاء سرمایه‌های اجتماعی و در نهایت توسعه یافتگی فرهنگی، به معنای واقعی را شاهد باشیم.

واژه‌های کلیدی: سرمایه اجتماعی^۴، شهروندی^۵

^۱ دکتری، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد

^۲ دکتری، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد

^۳ دانشجوی کارشناسی ارشد رشته مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد

^۴ Social capital

^۵ citizenship

مقدمه

از منظر توسعه پایدار، سرمایه اجتماعی جزئی تفکیک ناپذیر از مجموعه ثروت هر ملتی است و یکی از عوامل توسعه جوامع به شمار می‌رود. وجود سرمایه اجتماعی به عنوان ساز و کاری برای ارتقای توسعه بوده و فقدان و فرسایش آن مانعی برای توسعه اجتماعی است. با توجه به قرار داشتن کشور ما در حالت گذار و ضرورت برنامه‌ریزی همه جانبه به منظور دستیابی به توسعه پایدار و عبور از حالت گذار و رسیدن به یک ثبات نسبی و واقعی، شناخت سرمایه اجتماعی و شهروندی و بکارگیری عواملی که سبب افزایش این متغیرها در اجتماع می‌شود لازم و ضروری است.

در این مقاله سعی داریم تا در سه بخش به بررسی مفهومی مؤلفه‌های شهروندی در سرمایه اجتماعی و بیان رابطه آنها در اجتماعات کنونی بپردازیم. بخش اول شامل تعاریف سرمایه اجتماعی و شهروندی خواهد بود؛ بخش دوم پیشینه و ادبیات نظری تحقیق را بررسی می‌کند و در آخرین بخش به تحلیل و مقایسه و بیان ارتباط میان دو مفهوم سرمایه اجتماعی و شهروندی خواهیم پرداخت.

۱ - تعاریف

۱-۱ - سرمایه اجتماعی از نظر صاحب‌نظران در علوم مختلف

هرچند مرور ادبیات مرتبط با مقوله سرمایه اجتماعی حاکی از عدم اتفاق نظر پژوهشگران این عرصه در تعریف مفهومی و تجربی آن است، اما در یک برداشت کلی از انواع سرمایه می‌توان به تعریفی خاص از این مقوله رسید. انواع سرمایه عبارتند از: فیزیکی، انسانی، فرهنگی و اجتماعی. سرمایه فیزیکی ناظر بر پدیده‌هایی همچون منابع طبیعی، ثروت، درآمد، ماشین آلات، مستغلات و نظایر اینهاست. سرمایه انسانی ناظر بر میزان تحصیلات، معلومات، سطح دانش عمومی، آموزش‌ها و مهارت‌های کاری و امثال اینهاست. سرمایه فرهنگی، ناظر بر نوع پرورش فرهنگی فرد است و به مسایلی نظیر آینده‌نگری، انضباط شخصی، پرکاری، اهمیت قائل شدن برای تحصیلات و برنامه‌ریزی و ارج نهادن به کسب دستاوردهای اقتصادی اطلاق می‌شود. نوع چهارم سرمایه، یعنی سرمایه اجتماعی که موضوع بحث ما را تشکیل می‌دهد؛ اشاره به منابعی دارد که افراد به واسطه حضور یا تعلقشان به یک گروه اجتماعی به آنها دسترسی می‌یابند. این گروه می‌تواند به بزرگی ملت (سطح ملی) و یا به کوچکی خانواده (سطح سازمانی) باشد. فرد دارای سرمایه اجتماعی زیاد، کسی است که روابط وسیع‌تری داشته باشد (یعنی با افراد بیشتری در تماس و ارتباط باشد)، این روابط از عمق، صمیمیت و اعتماد قابل توجهی برخوردار باشند و بالاخره افرادی که شخص با آنها در ارتباط است دارای میزان قابل اعتنایی از سرمایه فیزیکی، انسانی و یا فرهنگی باشند. در سازمانها و جوامع انسانی، سرمایه اقتصادی از نظر درجه اهمیت در پایین‌ترین مرتبه قرار دارد. به دیگر سخن،

بسیاری از گروه‌ها، سازمانها و جوامع انسانی بدون سرمایه اقتصادی و صرفاً با تکیه بر سرمایه انسانی و سرمایه اجتماعی توانسته‌اند به موفقیت دست یابند [۶]. اما هیچ مجموعه انسانی بدون سرمایه اجتماعی نمی‌تواند اقدامات هدفمند و مفیدی انجام دهد. در سایه آنچه آمد می‌توان گفت سرمایه اجتماعی از تجمیع و تعامل سرمایه‌های فیزیکی، انسانی و فرهنگی زاده و بارور می‌شود و بستر حرکت جامعه را به سوی آینده می‌سازد و نکته آخر اینکه بی سرمایه اجتماعی، به هیچ سرمایه‌ای نخواهیم رسید.

انسان بطور ذاتی در تعامل و تقابل با دیگران نیازهای خود را برطرف ساخته و گذران امور می‌کند. اثرات این کنشهای متقابل و نقش آنها تا حدی است که حذف آن، زندگی را غیر ممکن می‌سازد. اما در این میان دانشمندان علوم اجتماعی با نگرشی کنجکاوانه در جوامع، به شناسایی این کنش‌ها پرداخته و به مجموع عواملی پی برده‌اند که آن را سرمایه اجتماعی نامیده‌اند. مفهوم سرمایه اجتماعی دربرگیرنده مفاهیمی همچون اعتماد، وفاق، همکاری و همیاری میان اعضای یک گروه یا یک جامعه است که نظام هدفمندی را شکل می‌دهند و آنها را بسوی دستیابی به هدف ارزشمند هدایت می‌کند. از این رو شناخت عوامل موثر در تقویت یا تضعیف سرمایه اجتماعی می‌تواند جوامع را در گسترش ابعاد سرمایه اجتماعی کمک نموده و موجب افزایش عملکرد و توسعه جوامع گردد.

طی جدول شماره ۱-۱-۱ خلاصه‌ای از تعاریف مختلف و سطوح تحلیل آنها در بحث سرمایه اجتماعی ارائه شده است.

جدول شماره ۱-۱-۱ - خلاصه‌ای از تعاریف مختلف و سطوح تحلیل آنها در تعریف سرمایه اجتماعی

محورها صاحب‌نظران	تعریف سرمایه اجتماعی	هدف (رسیدن به..)	سطح تجزیه و تحلیل
پیر بورديو ^۱	منابعی هستند که منافع عمومی را مورد ارزیابی قرار می‌دهند	سرمایه اقتصادی	افراد در حالت رقابت با هم (فرد با فرد)
جیمز کلن ^۲	جنبه‌هایی از ساختار اجتماعی است که اعضا از آن به عنوان منبعی برای رسیدن به منافع خود استفاده می‌کنند.	سرمایه انسانی	افراد در گروه‌های فAMILI و اجتماعی (فرد با گروه)
رابرت پوتنام ^۳	اعتماد، هنجارها و شبکه‌هایی که تسهیل‌کننده همکاری اعضا برای رسیدن به	دموکراسی و توسعه اقتصادی	حکومت‌های سیاسی در سطح ملی

^۱ Pierre Bourdieu

^۲ James Coleman

^۳ Robert Putnam

	منافع مشترک است.		(گروه با حکومت ملی)
فرانسیس فوکویاما ^۱	مجموعه معینی از هنجارها یا ارزشهای غیررسمی که شامل ارزشهای مثبت و منفی می‌باشد	-	-

بین اندیشمندان حوزه سرمایه اجتماعی توافق ضمنی وجود دارد مبنی بر اینکه دیدگاه‌های فوکویاما، جیمز کلمن و رابرت پاتنام اندیشه‌های کلاسیک این حوزه هستند. ما نیز در اینجا به بیان تعاریف آنها می‌پردازیم:

فوکویاما سرمایه اجتماعی را به عنوان توانایی افراد برای کار با یکدیگر در جهت اهداف عمومی در گروه‌ها و سازمان‌ها تعریف می‌کند.

از نظر *رابرت پاتنام* منظور از سرمایه اجتماعی، وجوه گوناگون سازمان‌های اجتماعی نظیر اعتماد، هنجار و شبکه‌هاست که می‌توانند با ایجاد و تسهیل امکانات هماهنگ، کارایی جامعه را بهتر کنند. پاتنام بین دو شکل اولیه سرمایه اجتماعی تمایز قائل می‌شود که عبارت است از: سرمایه اجتماعی ارتباط دهنده (یا جامع) و سرمایه اجتماعی درون گروهی (یا انحصاری). سرمایه اجتماعی پیوندی که افراد متعلق به تقسیمات اجتماعی متنوع را گرد هم می‌آورد (مانند کاربران اینترنت) و سرمایه اجتماعی درون گروهی که هویت‌های انحصاری را تقویت کرده و باعث حفظ همگنی می‌شود (مانند افراد در باشگاه‌های ورزشی و یا به صورت منفی در باندهای قاچاق مواد مخدر) [۵].

جیمز کلمن از واژگان مختلفی برای سرمایه اجتماعی کمک گرفت. وی مفهوم سرمایه اجتماعی را از ابعاد مختلف بررسی کرد. کلمن برای تعریف سرمایه اجتماعی از کارکرد آن کمک گرفت و تعریفی کارکردی از سرمایه اجتماعی ارائه داد و نه تعریفی ماهوی. بر این اساس سرمایه اجتماعی شیء واحد نیست بلکه انواع چیزهای گوناگونی است که دو ویژگی مشترک دارند: ۱- همه آنها شامل جنبه‌ای از یک ساخت اجتماعی هستند و ۲- کنش‌های معین افرادی را که در درون ساختار هستند تسهیل می‌کنند [۱۴].

شاید بهترین تعریف از سرمایه اجتماعی را بتوان در تک بیت شاعر غزل سرای ایرانی "لسان الغیب، حافظ شیرازی" یافت که می‌گوید:

« آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است با دوستان مروت، با دشمنان مدارا »

آنچه از تعاریف متعدد سرمایه اجتماعی برمی‌آید این است که این مفهوم دربردارنده مفاهیمی همچون اعتماد، همکاری و روابط متقابل بین اعضای یک گروه بوده به نحوی که گروه را به سمت دستیابی به هدفی که بر مبنای ارزش‌ها و معیار رایج در جامعه مثبت تلقی شود هدایت می‌کند. قابل توجه است که سرمایه

¹ Francis Fukuyama

اجتماعی برخلاف دیگر سرمایه‌ها (مالی، انسانی و ...) در صورت استفاده افزایش پیدا کرده و کارآتر می‌شود [۲].

۱-۲- شهروندی

همانطور که روشن است شهروندی از مشتقات شهر می‌باشد و آن را قالب پیشرفته شهرنشینی می‌دانند. به باور برخی از کارشناسان، شهرنشینان هنگامی که به حقوق یکدیگر احترام گذاشته و به مسئولیت‌های خویش در قبال شهر و اجتماع عمل نمایند به شهروند^۱ ارتقاء یافته‌اند. شهروندی تا پیش از این در حوزه اجتماعی شهری بررسی می‌شد اما پس از آن شهروندی مفاهیم خود را به ایالت و کشور گسترش داده‌است، اگرچه امروزه با درک مفهوم دهکده جهانی بسیاری به شهروندی جهانی^۲ نیز می‌اندیشند [۷].

شهروندی از جمله مفاهیم نو پدیداری است که به طور ویژه‌ای به برابری و عدالت توجه دارد و در نظریات اجتماعی، سیاسی و حقوقی جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است. مقوله شهروندی وقتی تحقق می‌یابد که همه افراد یک جامعه از کلیه حقوق مدنی و سیاسی برخوردار بوده و نیز به فرصت‌های مورد نظر زندگی از حیث اقتصادی و اجتماعی دسترسی آسان داشته باشند. ضمن اینکه شهروندان به عنوان اعضای یک جامعه با روابط اجتماعی مناسب در حوزه‌های مختلف مشارکت دارند و در برابر حقوقی که دارند، مسئولیت‌هایی را نیز در راستای اداره بهتر جامعه و ایجاد نظم بر عهده می‌گیرند لذا شهروندی در ابتدا خودش یک قواست و در ادامه زاینده حقوق متعدد دیگری برای شهروند می‌باشد. از این رو توانائی افراد را برای قضاوت در مورد زندگی خودشان تصدیق می‌کند بدین معنا که زندگی آنها از پیش به وسیله نژاد، مذهب، طبقه، جنسیت و یا صرفاً از روی هویت‌شان تعیین نمی‌شود.

موقعیت شهروند به حس عضویت داشتن در یک جامعه دلالت دارد. این موقعیت، کمکی را که یک فرد خاص به آن جامعه می‌کند، می‌پذیرد و به او استقلال می‌دهد. این استقلال در مجموعه‌ای از حقوق انعکاس پیدا می‌کند که هر چند از نظر محتوی در زمان‌ها و مکان‌های مختلف متفاوت‌اند لیکن، همیشه بر پذیرش کارگذاری و فاعلیت دارندگان آن حقوق دخالیت دارند.

لیکن، در یک تعریف ساده می‌توان گفت که شهروندی «موقعیتی است که فرد با برخورداری از آن می‌تواند در یک جامعه سیاسی، اخلاقی شده و زندگی خود را بر اساس وابستگی‌های متقابل و بر اساس موازین و تعادل حقوق و مسئولیت‌های اجتماعی ساماندهی کند» [۱۲].

۱-۲-۱- مفاهیم شهروندی

^۱ Citizen

^۲ Global Citizenship

در دسته بندی کلی می‌توان شهروندی را در مسئولیتهای فردی و اجتماعی شهروندان و همچنین مسئولیتهای دولت در قبال شهروندان بررسی کرد. با نگاهی کلی در جوامع مختلف می‌توان بخشی از این مفاهیم مشترک را عنوان و تکمیل کرد.

۱-۲-۱- مسئولیتهای اجتماعی

شهروندان به طور داوطلبانه امکانات خود را جهت کمک به پیشرفت و بهبود شهر به کار می‌گیرند. شهروندان فعال با توجه به تخصص و استعداد خود در سازمانها و کمیته‌های محلی گوناگون نظیر انجمن اولیا و مربیان و سازمان‌های غیردولتی عضویت و فعالیت می‌کنند. شرکت در نشست‌ها و اجتماعات شهری، حضور در محکمه‌های عمومی، هیات منصفه یا هیات‌های حل اختلاف، مشارکت در پروژه‌های اجتماعی برای پیشرفت جامعه و همچنین یافتن مشکلات و راه‌حل آن‌ها بسیار سودمند خواهد بود صاحب‌نظران برین عقیده‌اند که اجتماعات محلی، و نهادهای مردم محور می‌توانند با ارائه رفتارهای جدید و نهادینه ساختن آنها در جوامع، نقش موثری در ایجاد و بازتولید مفهوم شهروندی ایفا نمایند.

۱-۲-۲- مسئولیتهای فردی

رای دادن: حق رای در عین حالی که، از نظر بسیاری، از جمله مسئولیتهای شهروندی محسوب می‌گردد اما در واقع یک امتیاز نیز می‌باشد. کسانی که رای نمی‌دهند در واقع صدایشان در دولت شنیده نمی‌شود.

خدمت در ارتش: در زمان جنگ، هر مردی که توانایی بدنی دارد، برای جنگ فراخوانده می‌شود. در زمان صلح نیز به صورت خدمت اجباری سربازی و یا داوطلبانه در نیروهای مسلح حاضر می‌شوند. احترام به قانون و حقوق دیگران: هر شهروندی می‌بایست از قوانین اجتماع، ایالت و کشوری که در آنجا زندگی می‌کند، پیروی کند و به حقوق دیگران احترام بگذارد. پرداخت مالیات: هر شهروندی موظف به پرداخت مالیات بر درآمد و دیگر عوارض قانونی بر اساس درستکاری و راستی و سرموقع می‌باشد.

۱-۲-۳- مسئولیتهای دولت

از جمله مسئولیتهای دولت، خرج نمودن مالیات و عوارض دریافتی توسط بخش‌های دولتی جهت ارائه خدمات زیر، به شهروندان است: حفاظت از جان و مال و حقوق و امنیت شهروندان: توسط پلیس، آتش‌نشانی، امداد در حوادث و بلایای پیش بینی نشده، دادگاه و سامانه قضایی و نیروهای مسلح. بهداشت و سلامتی: آب و غذای سالم، بازرسی از شیر و گوشت، نگهداری از بیمارستان‌ها. آموزش: مدرسه‌ها و کتابخانه‌های عمومی.

نگهداری، تعمیر و ساخت جاده‌ها، بزرگراه‌ها و خیابان‌ها و راه آهن.

حفاظت و نگهداری از منابع طبیعی، جنگل‌ها و محیط زیست.

حفاظت از پس اندازها، با بازرسی از بانک‌ها و ضمانت حساب‌های بانکی.

کمک و جبران خسارات: در موارد پیش بینی نشده مانند سیل، زلزله و خشکسالی [۱۲]..

۱-۲-۲- شهروندی در ایران

تا چندی قبل در ایران، شهروندی تنها از منظر شهر و شهرنشینی مطرح می‌گردید و شهروندی رابطه متقابل یک شهرنشین با شهر و مدیران شهری و شهرداری دیده می‌شد و حقوق شهروندی را در گرو تصویب نقشه جامع شهر میدیدند. اما استفاده از واژه شهروند و شهروندی یا حقوق شهروندی^۱ در سال‌های اخیر در میان حقوقدانان و مجامع قانونی و حقوقی دید جامعتری یافت. در سال ۱۳۸۳ قانونی با عنوان «احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی» به تصویب مجلس رسید و به نام «بخشنامه حقوق شهروندی» در قوه قضائیه، دستورکار واحدها گردید که رئیس مهم این قانون درباره نحوه بازداشت و بازجویی و منع شکنجه و رفتار با متهمان توسط ضابطین و مجریان قضایی بود [۱۲].

۲- طرح مسئله

شهروندی به عنوان متغیر ملاک چگونه بر سرمایه اجتماعی به عنوان متغیر پیش‌بین تأثیر می‌گذارد؟ و چگونه سرمایه اجتماعی در مدیریت بهتر اجتماع‌ها و شهرها مؤثر است؟

۳- پیشینه پژوهشی

تحقیقات انجام گرفته در رابطه با شهروندی در ایران به ترتیب سال انجام به قرار زیر می‌باشد: آقای احمد آقازاده، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی و استاد دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی این دانشگاه در سال ۱۳۸۵ طی مقاله‌ای با عنوان: "اصول و قواعد حاکم بر فرایند تربیت شهروندی و بررسی سیر تحولات و ویژگی‌های این گونه آموزش‌ها در کشور ژاپن" به تحلیل مفهوم شهروندی و ابعاد گوناگون آن از دیدگاه برخی از اندیشمندان و صاحب نظران تعلیم و تربیت پرداخته و سپس با دید تطبیقی به چگونگی فرایند تربیت شهروندی و سیر تحولات آن در کشور ژاپن که یکی از ممالک صاحب تجربه در این بحث می‌باشد و بیش از هر کشور دیگر جهان در این خصوص اقدامات اصلاح طلبانه به عمل آورده است می‌پردازد [۱].

نتایج مقاله‌ای دیگر تحت عنوان: "احساس شهروندی در مراکز استان‌های ایران" کاری از علی یوسفی و مژگان عظیمی‌هاشمی در سال ۱۳۸۷، بدین قرار می‌باشد که شهروندی حاصل رابطه دو سویه فرد و

¹ Civil rights

دولت است، این رابطه از یک سو متضمن وفاداری فرد به دولت و از سوی دیگر مستلزم حمایت دولت از فرد است. و برای مفهوم شهروندی، سه وجه اساسی منظور شده است: برابری مشارکتی، برابری قانونی و هویت سیاسی. عناصر مهم در بعد برابری مشارکتی حق انتخاب کردن و انتخاب شدن، در بعد برابری قانونی، حقوق توزیعی و فرصتی و در بعد هویت سیاسی، هم ذات‌پنداری با اجتماع ملی (دولت-ملت) و تعهد مدنی است. نتایج تحلیل ثانویه داده‌هانشان می‌دهد: ۱- چهار بعد تجربی شهروندی از حیث سهمی که در تشکیل این مفهوم دارند به ترتیب عبارتند از: احساس برابری فرصتی، احساس برابری توزیعی، احساس هویت سیاسی و سپس احساس برابری مشارکتی. ۲- شدت احساس شهروندی در ابعاد سه‌گانه برابری مشارکتی، فرصتی و توزیعی در حد متوسط و احساس هویت سیاسی در بین مردم بالاست. ۳- شدت احساسات چهارگانه شهروندی در بین رده‌های مختلف قومی، مذهبی، تحصیلی، شغلی و ... کشور نزدیک به یکدیگر بوده و تاثیر رده‌بندی‌های اجتماعی بر احساسات شهروندی به طور کلی ضعیف است. ضعف احساس شهروندی در ابعاد سه‌گانه برابری فرصتی، توزیعی و مشارکتی و بالا بودن وفاداری سیاسی، از یک سو دلالت بر کسری ذخائر مشروعیت مدنی حکومت دارد و از سوی دیگر نشان از وجود دیگر ذخائر مشروعیت به ویژه ذخائر مشروعیت دینی دارد که علی‌رغم ضعف عملکردی حکومت در تامین حقوق شهروندی، وفاداری به حکومت را نزد شهروندان محفوظ نگه می‌دارد. در واقع ذخائر دینی مشروعیت حکومت در ایران، کسری ذخائر مشروعیت مدنی را جبران می‌کند [۱۷].

در همین راستا زیاری و همکاران در سال ۱۳۸۸ و طی مقاله "بررسی مشارکت شهروندی و نقش آن در مدیریت شهری شهرهای کوچک (نمونه موردی: شهرهای گله‌دار در استان فارس، ورزنه در استان اصفهان و هیدج در استان زنجان)" با توجه به نتایج پرسشنامه، مشخص کردند که در بعد ذهنی، تمایل به مشارکت بسیار بالاست و نگرش بسیار مناسبی به مشارکت در این شهرها وجود دارد، در بعد عینی مشارکت که از طریق عوامل مشارکت مردم در سازمان‌ها و نهادهای شهری، شرکت در انتخابات اخیر و تعامل با آشنایان سنجیده شده است، مشارکت مردم در سطح ضعیفی قرار دارد. بر اساس نتایجی که از آزمون هم‌بستگی بین بعد ذهنی مشارکت به عنوان متغیر مستقل و مشارکت مردمی حاصل شد، مشخص شد که ارتباط معناداری از بعد ذهنی مشارکت در این شهرها وجود دارد و بستر مشارکت در شهرهای مورد مطالعه برای مشارکت در مدیریت شهری بسیار بالاست [۸].

خانمها ترکمان و بهمن‌پور نیز در مقاله "نقش شهروندی بر اساس کتابهای علوم اجتماعی دوره دبیرستان" در سال ۱۳۸۹ به کمک یافته‌های پژوهش نشان دادند که مفهوم شهروندی در کتابهای علوم اجتماعی به ترتیب اولویت زیر است: ۱- شهروندی سیاسی ۲- شهروندی مدنی ۳- شهروندی اجتماعی، ۴- شهروندی فرهنگی ۵- شهروندی مشارکتی. در بررسی نقش شهروندی منفعل و فعال، شهروندی

منفعل (حق وجود داشتن) و شهروندی فعال (توانایی تاثیرگذاری بر سیاست‌ها) و اولویت با شهروندی منفعل می باشد [۴].

از کارهای انجام گرفته پیرامون سرمایه اجتماعی (در ارتباط با شهروندی) در ایران می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

آقای علیرضا شیروانی در مقطع دکتری رشته مدیریت دولتی به بررسی تأثیر عملکرد سازمانهای بخش دولتی بر سرمایه اجتماعی پرداخته است. هدف اساسی این تحقیق، مشخص نمودن عوامل عملکردی مدیران سازمانهای دولتی می‌باشد که در ایجاد و ارتقای سرمایه اجتماعی اثرگذار هستند. یافته‌های این تحقیق بیانگر این مطلب است که از بیست و شش سازمان دولتی مورد مطالعه، ۶۱/۵ درصد آنها در سطح کم، ۲۷ درصد در سطح متوسط، ۱۱/۵ درصد در سطح زیاد، سرمایه اجتماعی ایجاد کرده‌اند. در یک نتیجه‌گیری کلی می‌توان گفت که مقایسه بین نمرات عوامل عملکردی یازده‌گانه بیست و شش سازمان مورد مطالعه نشان می‌دهد که میانگین نمره آن دسته از سازمانهای دولتی که سرمایه اجتماعی زیاد ایجاد کرده‌اند؛ بیشتر از سازمانهایی بود که به میزان کم یا متوسط موفق به انجام آن شده‌اند.

تحقیق دوم در این زمینه توسط آقای مصطفی آشنا به بررسی سرمایه اجتماعی و کارآفرینی سازمانی در واگن‌پارس اراک می‌پردازد و به تحلیل رابطه بعد شناختی و ساختاری با کارآفرینی سازمانی پرداخته و به این نتیجه رسیده است که رابطه مثبتی بین سرمایه اجتماعی (ابعاد شناختی و ساختاری) با کارآفرینی سازمانی وجود دارد و نشان داده است که بعد ساختاری از اهمیت بیشتری نسبت به بعد شناختی برخوردار است.

تحقیق سوم مربوط به رساله دکتری آقای بهروز قلیچ‌لی در دانشگاه تربیت مدرس با عنوان نقش سرمایه اجتماعی و فکری در مزیت رقابتی دو شرکت خودروسازی ایرانی (ایران خودرو و پارس خودرو) می‌باشد. این تحقیق از نوع توسعه‌ای با روش تحقیق پیمایش تحلیلی بوده است. جامعه آماری این تحقیق نیز مدیران شرکتهای مورد مطالعه می‌باشد. به طور کلی نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد که بین سرمایه اجتماعی و سرمایه فکری رابطه مثبت و معناداری وجود دارد به عبارت دیگر با افزایش سرمایه اجتماعی، سرمایه فکری افزایش می‌یابد [۱۳].

تحقیقات انجام گرفته پیرامون سرمایه اجتماعی در سایر نقاط جهان:

همانطور که در مطالب قبل گفته شد؛ بین‌اندیشمندان حوزه سرمایه اجتماعی توافق ضمنی وجود دارد مبنی بر اینکه دیدگاه‌های فوکویاما، پیر بوردیو، جیمز کلن و رابرت پاتنام اندیشه‌های کلاسیک این حوزه هستند. ما نیز در این مجال برآنیم تا با استفاده از مطالب و دیدگاه‌های صاحب‌نظران سایر نقاط جهان، به کشف نوع رابطه میان این سرمایه و مدیریت اجتماعی نائل شویم.

در علوم سیاسی آمریکا، تحت مبحث جمعگرایی، متفکران قبل از قرن نوزدهم در تحلیل رابطه بین زندگی مشارکتی و دموکراسی، مکرراً عبارات مشابهی را جهت تجمیع مفاهیم همبستگی و انسجام اجتماعی استفاده می‌کردند که الهام گرفته از تلاش‌های نویسندگانی همچون جیمز مدیسون^۱ و الکسیس دوتوکویل^۲ بوده است [۶].

در بررسی سرمایه اجتماعی و جهان مدرن و پسامدرن آمده است؛ با توجه به تغییرات تکنولوژیک پرشتاب، جامعه‌ای درهم‌پیچیده و شبکه‌ای به وجود آمده است. در چنین جهانی بسیاری از همکاری‌های اجتماعی در حال تغییر هستند. اما به عقیده جان فیلد^۳ هنوز از اهمیت روابط غیررسمی‌کاسته نشده است. مارکس وبر^۴ دیوان سالاری را یکی از ویژگی‌های جامعه مدرن می‌داند. مزیت دیوان سالاری آن است که امور را از حالت شخصی خارج می‌کند و امکانات برابری را در مقابل مقررات در اختیار افراد قرار می‌دهد. اما امروزه آنچه برخی آن را سرمایه‌داری بی سازمان می‌خوانند، جانشین سرمایه‌داری دیوان سالارانه شده است [۱۱].

در بررسی دیگری که در زمینه نقش ارتباطات اجتماعی و سرمایه اجتماعی توسط جان فیلد انجام شد، پژوهش درباره شبکه روابط میان کارفرمایان صوت گرفت. در استرالیا وجود شبکه‌های روابط هتل داران موجب شده است که آنها بتوانند کارایی خود را بالا برند اما ادعاهای مربوط به روابط میان سرمایه اجتماعی و توسعه کشورها هنوز تأیید نشده است. یک علت، آن است که شاخص سازی‌های متفاوت، مقایسه میان کشورها را بسیار دشوار می‌کند [۱۱].

ادواردز و فولی^۵ به عنوان ویراستارهای شماره ویژه‌ای از نشریه "رفتار علمی‌آمریکایی"^۶ در مقاله "سرمایه اجتماعی، جامعه مدنی و دموکراسی در عصر حاضر"^۷ دو مطلب کلیدی را مطرح می‌کنند: اول اینکه سرمایه اجتماعی به طور مساوی در اختیار همه نیست، همانطور که سایر انواع سرمایه نیز به طور یکسان در اختیار مردم نیستند. انزوای جغرافیایی و اجتماعی مانع دستیابی به این منبع می‌شوند. دوم اینکه ارزش یک منبع سرمایه اجتماعی به طور قابل توجهی وابسته به موقعیت اجتماعی-اقتصادی منبع نسبت به جامعه است [۶].

رابرت پاتنام با انتشار کتاب برجسته خود "بولینگ تک نفره"^۸ به مشکلی که در ساختار مدنی جامعه آمریکا وجود دارد توجه کرده است. با توجه به مفهومی که پاتنام از سرمایه اجتماعی ارائه می‌دهد: ارتباط

^۱ James Madison

^۲ Alexis de Tocqueville

^۳ John field

^۴ Marks weber

^۵ Edwards and Foley

^۶ the American Behavioural Scientist

^۷ Social Capital, Civil Society and Contemporary Democracy

^۸ Bowling Alone

میان افراد، شبکه‌های اجتماعی و هنجارهای انتظار عمل متقابل و قابل اعتماد بودن؛ وی بین دو نوع سرمایه اجتماعی تمایز قائل می‌شود: سرمایه اجتماعی پیوند دهنده^۱ که اجزای مختلف جامعه را به هم پیوند می‌دهد و سرمایه اجتماعی محدود کننده یا درون گروهی^۲ که تنها اعضا گروه خاصی را به هم پیوند داده و دیگران را حذف می‌کند [۳].

شاید بتوان گفت مطالعات و بررسی‌های رابرت پاتنام جامعه‌شناس، بیشترین ارتباط را بین سرمایه اجتماعی و بحث مدیریت اجتماعی به ما نشان می‌دهد. پاتنام در "بولینگ تک نفره" ادعا می‌کند که سرمایه اجتماعی در آمریکا در حال فرسایش است. او نگران است که افراد تمایل ندارند که در لیگ‌های رسمی بولینگ بازی کنند بلکه ترجیح می‌دهند تنها با آشنایان خود بازی کنند [۱۱]. این مسئله باعث خدشه دار شدن روابط اجتماعی مثبت افراد با یکدیگر و ایجاد اعتماد اجتماعی خواهد شد که در نهایت به مدیریت اجتماعی نیز آسیب می‌رساند.

در مطالعاتی که جان فیلد روی سرمایه اجتماعی به عنوان نوعی سیاست اجتماعی انجام داده است؛ ادعا می‌کند که سرمایه اجتماعی از ابتدا رابطه نزدیکی با سیاست اجتماعی و برنامه‌ریزی اجتماعی داشته است. گواه این ادعا توجهی است که سازمان‌های بین‌المللی تأثیرگذار مانند بانک جهانی و سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه به آن کرده‌اند. همانطور که ذکر آن رفت؛ فولی و ادواردز معتقدند که نظام‌های سیاسی نقشی بسیار تأثیرگذار در شکل‌دهی خصوصیات جامعه مدنی و چگونگی کاربرد سرمایه اجتماعی در هر سطح و میزانی که باشد دارند ولی از دیدگاه برخی مؤلفان نباید دخالتی در ساختن سرمایه اجتماعی از طرف مدیران اجتماعی و دولتها در اجتماعات صورت گیرد [۱۱]. این افراد که از جمله آنها می‌توان نئولیبرال‌هایی چون فوکویاما را ذکر کرد اعتقاد دارند که سرمایه اجتماعی صرفاً پوششی برای علل مادی نابرابری ساختاری است و به برنامه‌های مربوط به سرمایه اجتماعی در اجتماعات بدبین هستند. اینان چندان روی خوشی به دخالت دولت و مدیران اجرایی و در امور مربوط به مردم ندارند [۱۸].

آ. شپرینگر^۳ ناشر آلمان غربی، یکی از اولین سازندگان سیستم روابط عمومی «رسانه‌های گروهی-انسان» بود که به اداره سلیقه‌ها و علاقمندی‌های مردم پرداخته بود. وی در سال ۱۹۴۶ در آلمان شکست خورده در جنگ جهانی دوم، به انتشار مجله خود درباره برنامه‌های رادیویی پرداخته بود. شپرینگر و اطرافیان‌ش احساسات مردم وقت آلمان را مد نظر داشتند. تورم، بیکاری و نبودن چشم‌انداز، احساس بیچارگی به وجود می‌آوردند. در این شرایط چه چیزی ارزش دائمی‌دارد؟ شپرینگر جواب داد: «فقط خانواده». وی می‌گفت: «باید اغلب این واژه را تکرار کرد تا خوانندگان ما احساس اعتماد به نفس داشته و با مجله ارتباط برقرار کنند. بنابراین یک، دو سه یا چهار میلیون خواننده مجله وی به یک خانواده تبدیل

¹ Bridging

² Bonding

³ a. shepringer

می‌شوند». راهبرد ناشران مجله، ایجاد مجله خانوادگی بود که به خوانندگان احساس اعتماد به نفس و خوشبینی بدهد. این مجله از همان شماره اول خواننده خود را پیدا کرده بود. این مجله خوانندگان زیادی را به مدار نفوذ خود کشانده و به یک نوع پارلمان رادیویی تبدیل شد. این مجله به نمونه بارز فعالیت روابط عمومی در فرهنگ عمومی و رسانه‌های گروهی (یا همان مدیریت اجتماعی) تبدیل شد [۵].

۴- ارتباط سرمایه اجتماعی و شهروندی: مؤلفه‌های تأثیرگذار

۴-۱ - سازمانهای غیر دولتی (NGO) ها

سازمانهای غیردولتی، سازمانهای خصوصی هستند که توسط گروه‌هایی از مردم شکل گرفته و مدیریت می‌شوند به شکل داوطلبانه و بدون سود شخصی عمل کرده و هدفشان خیر رساندن به خودشان یا دیگران است. بر طبق نظر نویسندگانی همچون والزر^۱، الساندرینی^۲، نیوتن^۳، استال و راجن^۴، فولی و ادواردز^۵ و والترز^۶، افراد از طریق جامعه مدنی می‌توانند شبکه‌های ارتباطی ایجاد کنند و آنها را پایدار نگهدارند. همچنین، اینگونه انجمنهای داوطلبانه هستند که با توسل به ساختاری غیررسمی و انعطاف‌پذیر، مردم را به هم ارتباط می‌دهند، اعتماد و عمل متقابل را گسترش می‌دهند و جامعه را با دیگر دوستی بدون اجبار استحکام می‌بخشند. چنین گستره‌ای از فعالیتها، خدمات و انجمنهای ناشی از جامعه مدنی منابعی از سرمایه اجتماعی هستند که می‌توانند با افزایش حداکثری استفاده از توانایی‌های افراد (حتی در زمان فراغت از کار، اوقاتی که افراد در گروه هستند)، تأثیر مثبت و سازنده‌ای را جهت توسعه، پیشرفت و بالطبع مدیریت اجتماعی مؤثر فراهم آورد [۶].

عضویت در نهادهای مدنی را می‌توان یکی از ابعاد شهروندی پویا دانست که خود از الزامات اساسی سرمایه اجتماعی نیز هست. نهادهای مدنی نظیر انجمنهای صنفی، حرفه‌ای، شوراهای شهری و محلی، کتابخانه‌ها، انجمنهای علمی و ورزشی، گروه‌های حامی محیط زیست، انجمنهای تجاری، کشاورزی و موارد مشابه از این دسته هستند. سازماندهی افراد در نهادهای مدنی موجب فرهنگهای صنفی و حرفه‌ای خاص در این نهادها شده و ضمن ایجاد سطح بالاتری از مشارکت و تعلق اجتماعی، موجب می‌شود که به طور غیرمستقیم، کنترل رفتارها و تعاملات اجتماعی و اقتصادی اعضای این نهادها وابسته به هنجارهای موجود در این نهادها شده و هزینه‌های بسیاری از کنترل‌های رسمی کاهش یابد [۶].

¹ Walzer

² Alessandrini

³ Newtown

⁴ Stolle and Rochon

⁵ , Foley and Edwards

⁶ Walters

۴-۲- ارتباطات مجازی (ایترنت)

همانند مشاهده اخبار و آگاه شدن از آخرین وقایع، استفاده از اینترنت می‌تواند بر سرمایه اجتماعی اثر مثبت داشته باشد. رشد سریع سایتهای شبکه‌های اجتماعی همچون فیسبوک^۱ و مای اسپیس^۲ نشان دهنده این است که کاربران در حال ایجاد شبکه‌ای مجازی از هر دو نوع سرمایه اجتماعی درون گروهی و پیوندی هستند. بر خلاف روابط رو در رو، به کمک اینترنت، افراد می‌توانند به صورت هدفمند با وضع پارامترهایی ویژه به صورت آنی به یکدیگر متصل شوند. این بدین معنی است که افراد به صورت انتخابی بر اساس منافع و پیشینه‌های کاملاً معین می‌توانند با هم ارتباط برقرار کنند.

امروزه با توجه به بحث دهکده جهانی و مطرح گردیدن مفهوم شهروند جهانی، ارتباطات مجازی بین افراد و گروه‌ها شکل تازه‌ای به روابط اجتماعی در جوامع به خصوص جوامع شهری داده است. از این حیث ارتباطات مجازی از جمله مؤلفه‌های مهم و مشترک شهروندی و سرمایه اجتماعی است که رشد و توسعه یکی به اثربخشی و کارایی بیشتر دیگری می‌انجامد.

لازم به ذکر است؛ منتقدان اجتماعات مجازی معتقدند اینترنت پیوندهای قوی (بالاخص ارتباطات رودررو و تعاملی) ما را با "پیوندهای ضعیف آنلاین" یا ارتباطات پوشالی با تکنولوژی جایگزین کرده است (از جمله این صاحب‌نظران می‌توان از رابرت پاتنام نام برد [۳]). برخی دیگر از تحقیقات نشان می‌دهد که مرواداتی که با کمک تکنولوژی شکل می‌گیرند رابطه منفی با سرمایه اجتماعی دارند زیرا که زمان صرف شده برای روابط اجتماعی فیزیکی و رو در رو را به خود اختصاص می‌دهند. با این وجود، در تحقیقات به عمل آمده توافق بر این است که هرچه مردم بیشتر آنلاین هستند، روابط فردی بیشتری داشته و این نقش مثبتی در تقویت سرمایه اجتماعی دارد [۶].

۴-۳- سلامت افراد

تحقیقات رو به رشد پیرامون سلامتی نشان می‌دهد که وجود سرمایه اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی و اجتماعات، حافظ سلامتی افراد است. افرادی که در شبکه‌ها یا اجتماعی غنی از حمایت، اعتماد عمومی، اطلاعات و هنجارها زندگی می‌کنند منابعی در اختیار دارند که بر سلامت آنها اثر مثبت می‌گذارد به طور مثال، یک بیمار سرطانی می‌تواند بدین طریق اطلاعات، پول یا حمایت روانی را که برای درمان و بهبود نیاز دارد بدست آورد. پاتنام نیز ادعا می‌کند که عضو شدن در یک سازمان، احتمال مرگ افراد را در سال بعد کاهش می‌دهد [۶].

^۱ Facebook

^۲ MySpace

در بیان اهمیت ارتباط شهروندی، سرمایه اجتماعی و سلامت افراد میتوان گفت، عضویت در گروه‌ها (و داشتن هم گروه‌های مناسب) می‌تواند افراد را از رفتارهایی همچون کشیدن سیگار و میگساری که برای سلامتی مضر هستند بر حذر دارند ما در جامعه‌ای مملو از انسانهایی سالم است که می‌توانیم جهت توسعه هرچه بهتر و بیشتر شهر و اجتماع برنامه‌ریزی و فعالیت می‌کنیم؛ در غیر اینصورت و در جامعه‌ای ناسالم، تصور بروز و ظهور شهروندی به معنای مطلوب از همان ابتدا با مشکل اساسی (شرایط مخاطبان) مواجه خواهد بود.

از طرف دیگر سرمایه اجتماعی می‌تواند مضر سلامتی هم باشد. اگرچه مطالعات محدودی در زمینه ارزیابی سرمایه اجتماعی در اجتماعات تبهکاران انجام شده است، اما از همین اطلاعات محدود چنین برداشت می‌شود که سرمایه اجتماعی اثر منفی در اجتماعات درهم شکسته دارد. همنشین‌های منحرف به کمک تعاریف مطلوبشان و فرصتهایی برای یادگیری که هنجارهای شبکه فراهم می‌کنند، مشوق رفتارهای انحرافی هستند. اگرچه در همان اجتماع هم، اصلاح هنجارها (یعنی جایگزینی همنشینان منحرف با نمونه‌های مثبت) می‌تواند مثر ثمر باشد [۶].

۴-۴- آموزش و پرورش

همانطور که در ادبیات تحقیق مطرح گردید؛ کلمن وهافر^۱ اطلاعاتی از ۲۸۰۰۰ دانش آموز دبیرستان دولتی، کاتولیک و خصوصی در آمریکا در طول دوره هفت ساله بین ۱۹۸۰ و ۱۹۸۷ جمع آوری کرده اند از این تحقیق طولی چنین نتیجه‌گیری شده است که سرمایه اجتماعی در خانواده دانش آموزان و اجتماعاتشان منجر به کاهش تعداد موارد ترک تحصیل در مدارس کاتولیک نسبت به نرخ بالای آن در مدارس دولتی شده است.

مورگان و سورنسن^۲ مستقیماً از کلمن به علت ارائه نکردن علت دقیق عملکرد بهتر مدارس کاتولیک روی آزمونهای موفقیت استاندارد انتقاد دارند با توجه به عملکرد دانش آموزان در مدارس کاتولیک به عنوان مدارس هنجارگرا و مدارس دولتی به عنوان مدارس افق گستر، آنها دو مدل برای تحلیل اثر سرمایه اجتماعی در یادگیری ریاضیات پیشنهاد کرده اند. آنها مشاهده کرده اند که در حالیکه سرمایه اجتماعی می‌تواند با حفظ و پایداری یک اجتماع فراگیر و فعال منجر به آثار مثبت در مدارس هنجارگرا شود، در عین حال می‌تواند عواقب منفی نیز داشته باشد؛ نظارت بیش از حد، سرکوب خلاقیت و موفقیت‌های استثنایی از جمله این موارد هستند. اما از طرف دیگر، در مدارس افق گستر، محدودیت اجتماعی، عواقب منفی در یادگیری ریاضیات داشته است. این مدارس نوع متفاوتی از سرمایه اجتماعی را در قالب

^۱ Huffer

^۲ Morgan and Sorensen

فرصت‌های حاصل از شبکه گسترده‌ای از روابط اجتماعی بین والدین و سایر افراد بالغ تجربه می‌کنند. نتیجه این که یادگیری در سطح بهتری نسبت به مدارس کاتولیک هنجارگرا پیاده می‌شود. به طور خلاصه مطالعات مورگان و سورنسن نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی وابسته به محیط است. ممکن است یک نوع از سرمایه اجتماعی در یک محیط خاص نقش مثبت داشته باشد ولی لزوماً در شرایط دیگر موفق نخواهد بود.

همچنین سمپسون و همکاران^۱ در مقاله خود با عنوان "فراتر از سرمایه اجتماعی، دینامیک فضایی بازدهی جمعی برای کودکان"^۲ بر ابعاد هنجارگرا یا هدف‌گرای سرمایه اجتماعی تأکید دارند. آنها مدعی هستند که "منابع و شبکه‌ها (به طور مثال، انجمن‌های داوطلبانه، پیوندهای دوستانه، چگالی سازمانی) به تنهایی خنثی هستند. آنها ممکن است برای کسب اثرات مورد نظر مفید باشند یا نباشند".

مرجوریبنک و کواک^۳ نیز به کمک سرمایه اجتماعی به عنوان ابزار اصلی تحقیق، مطالعاتی را در مدارس راهنمایی هنگ کنگ روی ۳۸۷ دانش‌آموز ۱۴ ساله با هدف بررسی اختلاف بین موفقیت تحصیلی دختران و پسران انجام داده‌اند. در این تحقیق اثبات شده است که سرمایه اجتماعی تأثیراتی متفاوت بر دو جنس مختلف دارد. هی‌هانگ هیس تانگ^۴ در پایان نامه خود با عنوان "دانش‌آموزان تازه وارد در هنگ کنگ: تطبیق و موفقیت تحصیلی"^۵ می‌گوید فرایند تطبیق به معنی فعالسازی و انباشت سرمایه‌های (فرهنگی و اجتماعی) است. نتایج تحقیق نشان می‌دهند که شبکه‌های حمایتی عامل متمایزکننده راه‌های مختلف تطبیق هستند. شبکه‌های حمایتی، به عنوان شکلی از سرمایه اجتماعی، شرط لازم برای فعالسازی سرمایه فرهنگی دانش‌آموزان تازه وارد هستند. میزان سرمایه انباشته شده نیز بستگی به میزان پیشرفت در فرایند تطبیق دارد.

پوتنام در کتاب خود "بولینگ تک نفره" متذکر شده است "رشد کودک به شدت تحت تأثیر سرمایه اجتماعی است" و ادامه می‌دهد "حضور سرمایه اجتماعی با نتایج مثبت متعددی خصوصاً در امر آموزش مرتبط دانسته شده است" بر طبق نظر وی در این کتاب، این نتایج مثبت حاصل سرمایه اجتماعی والدین در اجتماع هستند. در ایالاتی که سطح سرمایه اجتماعی بالاتر است، موفقیت تحصیلی نیز بیشتر است و به مشترک این ایالات در این است که در آنها والدین مشارکت بیشتری در امر تحصیل فرزندان خود دارند. هر جا که والدین مشارکت بیشتری در فرایند آموزش فرزندان داشته‌اند، معلمان موارد کمتری از بدرفتاری همچون حمل سلاح در مدرسه، درگیری فیزیکی، فرار از مدرسه و به طور کلی بی‌تفاوتی نسبت

¹ Sampson et al

² Beyond social capital: Spatial dynamics of collective efficacy for children

³ Marjoribanks and Kwok

⁴ Hei Hang Hayes Tang

⁵ "New Arrival Students in Hong Kong: Adaptation and School Performance"

به تحصیل گزارش کرده اند با استناد به دیدگاه پوتنام و سایر مدارک، برای درک رابطه بین سرمایه اجتماعی و آموزش، باید میزان مشارکت والدین در امور آموزش و مدرسه و میزان سرمایه اجتماعی موجود در یک اجتماع را تعیین کرد. [۶].

از طرف دیگر جهت توسعه و ارتقاء سرمایه اجتماعی می توانیم از اثرات مثبت آموزش شهروندی (برای مثال آموزش مهارت های اجتماعی) استفاده کنیم در این باب می توان روی آموزش های خاص مدارس در قالب محتوای آموزشی رسمی مطلوب سرمایه گذاری کرد. آموزش هایی مثل چگونگی عضویت در گروه های مختلف، مهارت های زندگی از جمله مهارت در "نه" گفتن، آموزش همکاری در گروه، اعتماد متقابل و

۴-۵- بزهکاری

پرواضح است که در هر اجتماعی عضویت در گروه های انحرافی محتمل بوده و نقش فزاینده ای در افزایش بزهکاری دارد این موضوع بالاخص با توجه به مفهوم سرمایه اجتماعی درون گروهی (از نظر پاتنام) قابل تأمل می باشد.

در مقابل، عضویت در گروه های دوستی مناسب، باشگاه های ورزشی، کتابخانه ها و ... که از جمله عناصر سرمایه اجتماعی هستند وقوع جرم و جنایت در اجتماع را کاهش می دهند؛ در این خصوص نباید از نقش مهارت های اجتماعی (دوستیابی، توانایی "نه" گفتن و ...) غافل شد این مهم را می توان به کمک آموزش و پرورش و ارائه آموزش های مناسب تقویت نمود. با تمرکز بر این ایده که سرمایه اجتماعی پایین باعث افزایش بزهکاری و جرم و جنایت می شود؛ خواهیم فهمید که مدیریت اجتماعی جوامع نیز با کاهش سرمایه اجتماعی دچار آسیب های جدی از منظر افزایش بزهکاری خواهد شد [۶].

۴-۶- مشارکت زنان

زنان روش های منحصر بفردی برای سازماندهی دارند. این تفاوتها در مقابل مردان، ارتباطات اجتماعی را برای مخاطبان زن تا حد بیشتری جذاب و تأثیرگذار کرده و در نتیجه نقش زنان را در مشارکتها و روابط غیررسمی پررنگتر می کند. به عنوان مثال تعدادی از این مشخصه ها عبارتند از:

– احتمال اینکه زنان خود را در ساختارهای بدون رده بندی سازماندهی کرده و وفاق ایجاد نمایند بیشتر از مردان است.

– طبیعت اغلب غیررسمی سرمایه اجتماعی زنان به آنها اجازه می دهد تا بدون تطبیق با استانداردهای مردانه، محیط های غیررسمی مشارکتی را جهت برقراری ارتباطات اجتماعی، ایجاد و مدیریت نمایند [۶].

۴-۶-۱ FPI نشانگر مشارکت زنان در توسعه انسانی

نشانگر مشارکت زنان، مرکب از متغیرهایی است که میزان کنترل زنان و مردان را در تعیین سرنوشتشان در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی اندازه می‌گیرد. این متغیرها عبارتند از :

- مشارکت زنان در پست‌های نمایندگی مجلس (مشارکت در تصمیم‌گیری سیاسی)،
- مشارکت زنان در پست‌های مدیریت عالی و فنی (مشارکت در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی)،
- مشارکت زنان در مشاغل آزاد و مشارکت در درآمد حاصل از اشتغال (مشارکت در منابع اقتصادی).

با توجه به نشانگر مشارکت زنان در کشورمان که رقمی معادل ۰/۲۵۱ را نشان می‌دهد و مقایسه آن با نشانگر کشورهای پیشرفته صنعتی (۰/۵۴۹)، در حال توسعه (۴۳۶) و ضعیف (۰/۲۳۳)، درمی‌یابیم که متأسفانه این میزان، نزدیک به نشانگر کشورهای ضعیف می‌باشد. این موضوع لزوم توجه بیشتر به مشارکت زنان در توسعه کشورمان، با توجه به اینکه نیمی از جمعیت ایران را زنان تشکیل می‌دهند و سرمایه‌گذاری جهت رشد و اعتلای این نشانگر در کشورمان را گوشزد می‌نماید [۱۵].^۱

۴-۷- مهاجرت

اگر در شهرها شاهد رابطه‌های محدود و گذرا حتی در سطوح کوچکی چون محلات و در بین همسایگان هستیم به دلیل مهاجرت‌های بی رویه به خصوص مهاجرت از روستا به شهر جهت به دست آوردن امکانات بیشتر و بهتر در شهر، تحصیلات، پیدا کردن کار و ... می‌باشد. مطالعات پوتنام نشان داد که مهاجرت و تنوع نژادی مانع رشد سرمایه اجتماعی و افزایش اعتماد عمومی مرتبط با آن می‌شود در این مطالعات گفته شد که در مناطق ناهمگون آمریکا، پاره‌ای از افراد سهمی در هیچ یک از انواع سرمایه اجتماعی درون گروهی و پیوندی ندارند. در جوامعی که مهاجرت به آنها زیاد است (همچون ایالات متحده و کلان شهرهایی چون تهران) یا ناهمگونی قومی بالاست (همچون اروپای شرقی) شهروندان در هر دو نوع سرمایه اجتماعی کمبود دارند و در کل سطح اعتماد در خارج از اجتماعات همگون بسیار پایین است. عدم تجانس باعث شده است که مردم حتی از نزدیکترین گروه‌ها و روابطشان دوری کنند و به جمعی از افراد شدیداً منفرد تبدیل شوند، نقطه مقابل اجتماع همبسته‌ای که قبلاً در آن بودند. این نتایج بر خلاف باورهای قبلی هستند که می‌گفتند تماس با تنوع اجتماعی، سرمایه اجتماعی را چه از طریق پیوند زدن شکافهای اجتماعی مابین اقوام و چه از طریق تحکیم پیوندهای درون گروهی تقویت می‌کند [۱۹].

^۱ جهت کسب اطلاعات بیشتر در این زمینه به سایت دفتر توسعه سازمان ملل (UNDP) به آدرس http://hdr.undp.org/en/media/HDR_2010_EN_Complete.pdf مراجعه نمایید.

مین ژو^۱ و کارل ال بنکستون^۲ نیز در بررسی جمع ویتنامی‌های مقیم نیواورلئان دریافتند که حفظ ارزشهای سنتی، مهاجران را در برقراری پیوند و حفظ اتحاد در اجتماع قومی یاری می‌رساند. اتحاد قومی به خصوص زمانی مهم است که مهاجران به تازگی به جامعه میزبان وارد شده اند. ژو در مقاله خود "سرمایه اجتماعی در محله چینی‌ها"^۳ آثار روابط محسوس اجتماعی را بر فرایند تطبیق چینی-آمریکایی‌های جوان در اجتماع، در خانواده مهاجران و ما بین نسل جوان مورد بررسی قرار داده است محله چینی‌ها به عنوان مبنای سرمایه اجتماعی، اسکان کودکان مهاجر را در جهات مطلوب تسهیل می‌کند. حمایت قومی محرک موفقیت تحصیلی است. علاوه بر این، حفظ زبان مادری نیز نوعی سرمایه اجتماعی ایجاد می‌کند که نقش مثبتی در موفقیت تحصیلی دارد. استانتون-سالازار^۴ و دورن بوش^۵ دریافتند که دانش آموزان دو زبانه شانس بیشتری برای کسب حمایت‌های نهادی مورد نیاز برای بهبود وضعیت تحصیل و زندگی دارند [۶].

در صورتی که بتوان به کمک مدیریتی کامل و جامع از تمامی پتانسیل مثبت موجود در نیروهای وارد شده و مهاجر به شهرها جهت افزایش بهره وری سرمایه اجتماعی استفاده کرد؛ در واقع می‌توان به کمک یک جریان دوطرفه و تعاملی در توسعه شهروندی و شهرنشینی نیز از آن بهره جست.

۵- اثرات منفی و محدودیت‌های احتمالی سرمایه اجتماعی بر شهروندی

علاوه بر ذکر تمامی موارد فوق که نشانگر بعد مثبت سرمایه اجتماعی در ارتباط با شهروندی می‌باشد؛ نباید نسبت به پاشنه آشیل سرمایه اجتماعی که منجر به ضعف شهروندی نیز می‌گردد بی‌توجه بود. بارزترین مثال از سوی تاریک سرمایه اجتماعی، شبکه روابط قوی و افراطی درون گروهی است (به خصوص در میان گروه‌های مجرم و بزهکار) [۱۱]. سرمایه اجتماعی درون گروهی می‌تواند از عقاید یک گروه در گذر زمان محافظت کند و در نهایت باعث جذب افراد حول یک آرمان افراطی شود [۶]. برای مثال آ. شیرینگر آلمانی و طرفداران سرسخت و معتقد به برنامه رادیویی وی (تحت قالب خانواده) حتی دستوراتی را جهت انجام فعالیت‌های مورد نظرشان به دولت دیکته می‌کردند که این می‌تواند از جمله اثرات منفی سرمایه اجتماعی در مدیریت اجتماعی به شمار رود.

از طرف دیگر هرگونه همکاری صمیمانه میان افراد عضو یک شبکه می‌تواند برای کسانی که از عضویت در آن شبکه محروم هستند؛ زیان‌بار باشد به بیان دیگر هر شبکه روابط اجتماعی اگر بسیار بسته باشد می‌تواند برای دیگر اعضای جامعه بزرگتر آسیب‌زا باشد [۱۱]؛ آسیب به هر نوع شبکه اجتماعی در

¹ Min Zhou

² Carl L. Bankston

³ "Social Capital in Chinatown"

⁴ Stanton-Salazar

⁵ Dornbusch

نهایت باعث اختلال در شبکه اجتماعی بزرگتر خواهد شد و در نهایت شهروندی را تهدید و تضعیف می سازد..

۹- بررسی نیاز سرمایه اجتماعی به شهروندی (تحلیل طرح مسئله)

در سطح ملی، با توجه به سیستم روابط عمومی- تبلیغات امروزه اجتماعات و جوامع سعی می کنند شمار اعضا و متفقین خود را بیشتر نمایند؛ این امر بالاخص با توجه به اهمیت شرکت داوطلبانه مردم در کلیه امور (سیاسی، اقتصادی و ...) دولتها من جمله انتخابات، ضرورت دارد.

با وجود سیستم سیاسی قوی در جامعه که در نتیجه روابط اجتماعی بالای آحاد مردم به پشتوانه دولت ایجاد می شود؛ مردم دیگر نیازی نخواهند دید که خود را درگیر فرقه ها و مجامع درون گروهی دیگر کنند. بنابه گفته پوتنام، سرمایه اجتماعی از دیدگاه سازمانی ممکن است عواقب منفی داشته باشد؛ اگر نهادهای سیاسی و دموکراسی در کشور به میزان کافی استحکام نداشته و بنابراین گروه های صاحب سرمایه اجتماعی بر آنها غلبه کنند. (مثال روشن در این مورد، اتفاقی بود که زمان به قدرت رسیدن هیتلر برای آلمان بوقوع پیوست. در واقع آلمانها خود را به کلوپها، انجمن های داوطلبانه، و سازمانهای حرفه ای مشغول کردند تا از سرخوردگی ناشی از شکستهای دولت مرکزی و احزاب سیاسی خلاص شوند. در نتیجه ستونهای جمهوری وایمار^۱ را سست کرده و راه رسیدن هیتلر به قدرت را هموار کردند". هیتلر از آن جهت به سرعت به قدرت رسید که توانست گروه های جامعه را برای رسیدن به یک هدف مشترک به حرکت در آورد. اگرچه در آن زمان جامعه آلمان یک جامعه "متحد" به حساب می آمد، گروه های مردم متفرق بوده و اعضا آنها از مهارتهایی که در گروه کسب کرده بودند، برای پیشبرد جامعه استفاده نمی کردند. مردم در جمهوری وایمر به شدت درون گرا شده بودند. هیتلر توانست با توسل به هدف اعتلای آلمان به صدر قدرتهای سیاسی جهان، بر این خصوصیت مردم سرمایه گذاری کرده و گروه های منفصل را با هم متحد کند [۶].

در نهایت "پیشگیری بهتر از درمان است". اگر شهرها در برخورد با مسائل اجتماعی تعلل کنند، زمانی فرا می رسد که خود را در حلقه آتش جامعه می بینند و در این صورت دیگر فرصتی برای انجام فعالیتها و نائل شدن به اهدافشان نخواهند داشت.

در سطح سازمانی باید گفت، کسانی که امروزه با محیطهای کار سازمانی آشنایی دارند؛ از اهمیت مسائل سازمانی نظیر ساختار، طرح شغل و انگیزش به خوبی خبردارند؛ ولی در عین حال، می دانند که با توجه به ماهیت برخورد با نیروی انسانی، کار و عملکرد افراد تحت تأثیر عوامل دیگری از قبیل ماهیت روابط اجتماعی میان کارکنان و نگرش آنان نسبت به کار قرار می گیرد. در واقع محیطهای کاری، زمینه های

¹ Weimar Republic

اجتماعی پیچیده‌ای هستند که درک و فهم رفتار در آنها از طریق توجه به گرایشها و نگرشهای کاکنان، روابط اجتماعی، شبکه‌های ارتباطی رسمی و سایر متغیرهای مربوط میسر است [۱۰].

کلیه فراگردهای مدیریتی از نظر هنری فایول^۱ (برنامه‌ریزی، سازماندهی، هماهنگی، کنترل و فرماندهی) بدون برقراری ارتباط مناسب و مؤثر (روابط اجتماعی) امکان پذیر نخواهد بود حال این نوع مدیریت، مدیریت در سطح سازمانی کوچک یا شهر و یا در سطح ملی باشد. همین یک جمله لزوم توجه به روابط اجتماعی در شهرها (روابط متقابل، همکاری‌ها، اعتماد بین اعضا و گروه‌ها و ...) جهت مدیریت شهری و شهروندی مطلوب را مشخص می‌سازد. به عبارت دیگر رهبر ایده‌آل آشنا به سرمایه اجتماعی می‌کوشد تا با برقراری روابط پایدار و مؤثر (بین خود و اعضا و اعضا با هم) و افزایش اثربخشی شهروندان باعث توسعه و پیشرفت شده؛ کارایی سرمایه اجتماعی در جامعه را نیز بالا ببرد [۱۶]. از طرف دیگر می‌دانیم که به منظور انجام اهداف سازمانی، بایستی مدیران به دفعات، برای انتقال اطلاعات ضروری، تصمیمات، ایده‌ها، پیشنهادات و ... با کارکنان ارتباط برقرار نماید. مطالعات نشان می‌دهند که بیشتر از ۷۵٪ وقت مدیران صرف ارتباط با دیگران می‌شود. این امر نشانگر اهمیت ارتباط در سازمان است. موفقیت یک سازمان تا حد زیادی به وجود ارتباطی اثربخش بستگی دارد [۹]. همچون سازمانها و در سطحی وسیعتر، وجود این نوع ارتباط در شهرها باعث توسعه یافتگی فرهنگی و رشد و اعتلای سرمایه اجتماعی شهروندان می‌گردد.

با تکیه بر نقش دولت در جامعه با استفاده از نظریات صاحب‌نظرانی چون پوتنام، با این نگرش که معتقد باشیم، ارتباط بین روند افزایشی سرمایه اجتماعی و بهبود عملکرد در همه ابعاد، یک ارتباط مثبت است. بطور قطع شناسایی عوامل مؤثر در آموزش شهروندی به جهت گسترش سرمایه اجتماعی یکی از موارد ضروری در هر جامعه و شهر بشمار می‌رود.

در پایان بدون کم انگاشتن برنامه ریزی، سازماندهی، نظارت و نیز همکاری سازمانها با محافل اجتماعی که از جمله وظایف مهم مدیریت شهری هستند؛ بر اهمیت ویژه ایجاد انگیزه جهت انجام این فعالیتها (عضو شدن در سازمانها به خصوص در مورد افراد سالخورده و ...) در راستای رسیدن به اهداف و توسعه و پیشرفت تأکید می‌کنیم. به کارگیری افراد بازنشسته اجتماع در گروه‌های غیر رسمی جهت استفاده از توان و تجربه ارزشمند این افراد و نیز جلوگیری از تنهایی و دل‌مردگی ایشان به سبب عدم ارتباطات مؤثر به مدیران شهری کمک می‌کند که از حداکثر توان شهروندان استفاده کرده و راه را جهت توسعه و پیشرفت هموارتر سازند.

¹ Henri Fayol

۱۰ - پیشنهادات

با توجه به مباحث مطرح شده و بیان نقش و تأثیر متقابل شهروندی و سرمایه اجتماعی در کمک به بهبود عملکرد سازمانها و مؤسسات و نیز توسعه و پیشرفت شهرها، در ذیل به ارائه پیشنهاداتی در حوزه بحث پیشرو می‌پردازیم:

- ۱ - اشاعه فرهنگ عضویت در گروه‌ها و مجامع دولتی و غیردولتی (از جمله کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان) و ایجاد انگیزه در افراد جهت عضویت و برقراری ارتباط مناسب و مؤثر، تا در پناه وضعیت مناسب فعلی به سوی افزایش سرمایه اجتماعی و بالطبع بهبود و پیشرفت شهرها و در سطحی ایده‌آل جهت توسعه‌یافتگی کشورمان گام برداریم.
- ۲ - توجه بیشتر به نقش نیروی انسانی در سطوح ملی و سازمانی توسط مدیران و سرپرستان اجتماعی.
- ۳ - آموزش شهروندی و مهارت‌های اجتماعی به عنوان بعد مهمی از برنامه درسی رسمی مدارس به خصوص در مقطع ابتدایی.
- ۴ - جلوگیری از "فرار مغزها" و خروج دائم انسانهای شایسته و فرهیخته از کشور به کمک سرمایه اجتماعی غنی و ارتباطات محکم و اصولی و نیز در نظر گرفتن راهکارهای خاص در این زمینه.
- ۵ - عدم کنار گذاشتن افراد بازنشسته و سالخورده اجتماع و استفاده از همکاری و تجارب ارزنده این افراد از طریق حضور فعال ایشان در گروه‌ها و محافل اجتماعی.
- ۶ - احترام و حفظ شأن منابع و نیروهای انسانی با پذیرش تکثرگرایی و بومی‌سازی در کشور.

۱۱ - بحث و نتیجه‌گیری

برطبق تعاریف و مفاهیم بیان شده در مقاله پیشرو، سرمایه اجتماعی دارای مفهومی بسیار گسترده می‌باشد (از بحث روابط متقابل اعضا و افراد جامعه تا همکاری، صداقت، اعتماد و ...) به صورتی که کلیه هنجارها و ناهنجاریهای جامعه می‌تواند معیاری جهت بررسی آن باشد.

موارد مورد اشاره در بحث مؤلفه‌های تأثیرگذار شهروندی و سرمایه اجتماعی نیز بیانگر پتانسیل بسیار خوب نقش شهروندی است که می‌توان با استفاده بهینه از آن، مشارکت لازم را جهت سرمایه اجتماعی مطلوب در جوامع بروز داده و همچنین می‌تواند به عنوان یک اصل محوری توسعه قلمداد گردد.

با عنایت به اصل توجه به نیروی انسانی (به عنوان درونداد در هر نوع رابطه اجتماعی)، مشخص می‌شود که مقوله ارتباطات و حتی تبلیغات، جهت ایجاد انگیزه و فرهنگ اجتماعی‌شدن افراد (از منظر تمایل به عضویت و مشارکت در گروه‌ها) در جوامع، بسیار مهم و حیاتی است. این همان نقطه عطفی است که شهروندی را با سرمایه اجتماعی غنی پیوند داده و جامعه را در جهت رشد و کمال و توسعه پیش خواهد برد.

منابع

- [۱] آقازاده. احمد (۱۳۸۵)، اصول و قواعد حاکم بر فرایند تربیت شهروندی و بررسی سیر تحولات و ویژگی‌های این گونه آموزش‌ها در کشور ژاپن، مجله نوآوری‌های آموزشی، قابل دسترسی در www.sid.ir
- [۲] الوانی، مهدی (۱۳۸۱)، سرمایه اجتماعی، مفاهیم و نظریه‌ها، فصلنامه میریت، شماره‌های ۳۳ و ۳۴.
- [۳] پوتنام، رابرت (۱۳۷۷)، دموکراسی و سنتهای مدرن، ترجمه محمد دلفروز، تهران: دفتر مطالعات سیاسی وزارت کشور.
- [۴] ترکمان. فرح، بهمن پور. سکینه (۱۳۸۹)، نقش شهروندی بر اساس کتابهای علوم اجتماعی دوره دبیرستان، قابل دسترسی در www.sid.ir
- [۵] تحقیقی، امیرحسین (۱۳۸۵)، سرمایه اجتماعی دولت و نهادها در ایران، نشریه اندیشه صادق، شماره‌های ۱۱ و ۱۲.
- [۶] دانشنامه آزاد ویکی‌پدیا (۱۳۹۰)، به آدرس: www.fa.wikipedia.org، سرمایه اجتماعی، تاریخ بازیابی: ۱۳۹۰/۳/۱۸.
- [۷] دانشنامه آزاد ویکی‌پدیا (۱۳۹۰)، به آدرس: www.fa.wikipedia.org، شهروندی، تاریخ بازیابی: ۱۳۹۰/۸/۸.
- [۸] زیاری کرامت اله، *زندوی سیدمجدالدین، آقاجانی محمد، مقدم محمد (۱۳۸۸)، بررسی مشارکت شهروندی و نقش آن در مدیریت شهری شهرهای کوچک (نمونه موردی: شهرهای گله دار، ورزنه و هیدج)، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه ای، قابل دسترسی در www.sid.ir
- [۹] شمس مورکانی، غلامرضا (۱۳۸۹)، مدیریت آموزشی، تهران، نشر آذر.
- [۱۰] علاقه‌بند، علی (۱۳۸۵)، مبانی نظری و اصول مدیریت آموزشی، تهران، نشر روان.
- [۱۱] فیلد، جان (۲۰۰۳)، سرمایه اجتماعی، ترجمه احمد رضا اصغریپور ماسوله، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- [۱۲] سایت شهرداری تهران، به آدرس www.tehran.ir بازبینی شده به تاریخ ۱۳۹۰/۸/۸.
- [۱۳] کاظمی، علی (۱۳۹۰)، بررسی رابطه میان مؤلفه‌های نظریه سیستم اجتماعی با مرتبه سرمایه اجتماعی دبیران دوره متوسطه شهرستان شهرکرد، پایان نامه چاپ نشده، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد.
- [۱۴] مبشری، محمد (۱۳۸۷)، سرمایه اجتماعی چیست؟، روزنامه همشهری، سال شانزدهم، شماره ۴۶۷۹.
- [۱۵] مشایخ، فریده (۱۳۸۷)، دیدگاه‌های نو در برنامه‌ریزی آموزشی، تهران، سمت.
- [۱۶] وین ک. هوی، سیسیل ج. میسکل (۱۳۸۷)، مدیریت آموزشی تئوری، تحقیق و عمل، ترجمه میرمحمدسیدعباس زاده، ارومیه: دانشگاه ارومیه.
- [۱۷] یوسفی، علی، عظیمی‌هاشمی. مژگان (۱۳۸۷)، احساس شهروندی در مراکز استان‌های ایران، مجله جامعه شناسی ایران، قابل دسترسی در www.sid.ir

- [۱۸] Fukyama. F (1999). F. **Social capital & cici society**. Conference on second generation reform.
- [۱۹] Putnam. R (2001). **Social capital measurment & consequences**. ISUMA. Volume 2. No 1. spring
printemps.. ISSN. 1492.611